مهشید مدرس

نقاشان اروپایی در ایران در دورهٔ قاجار[1]

در دورهٔ قاجار هنرمندان ایرانی علاقهٔ زیادی به نقاشی دوره‌های رنسانس و باروک و نیز رئالیسم سدهٔ نوزدهم اروپا نشان دادند. یکی از علل عمدهٔ این گرایش حضور هنرمندان اروپایی در ایران بود که بیشتر آنها را حکومتهایشان برای تحقیق در اوضاع اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی ایران، و جمع‌آوری اطلاعات دیداری و تهیهٔ نقشه‌هایی برای اهداف نظامی فرستاده بودند. این طرحها و نقاشیهای اروپایی در حکم گزارشهایِ بصری بودند که به گونه‌ای هدفمند دقیق و مفصل و واقع‌بینانه تهیه می‌شدند.

شاهان و شاه‌زادگان قاجار که در تماس مستقیم با هنرمندان سیّاح اروپایی بودند، هنرمندان دربار را برای ارائهٔ توصیف دقیق از اشیا و افراد به پیروی از شیوهٔ غربی واداشتند. علاوه بر این، این احتمال وجود دارد که هنرمندان دربار بر اثر ارتباط با هنرمندان اروپایی با قواعد طراحی و نقاشی اروپایی آشنا شده باشند. نویسنده بر آن است که به دلایل فوق، نقاشی ایران در دورهٔ قاجار تا حد زیادی به واقع‌نمایی گرایید.

آشنایی ایرانیان با سبکهای هنری اروپا با روابط سیاسی ایران و اروپا در قرن یازدهم/ هفدهم آغاز شد و در قرن سیزدهم/ نوزدهم گسترش یافت. در بخش عظیمی از اروپا، تغییرات صنعتی و اجتماعی و فرهنگی باعث تحول سیستم سیاسی شد و به سلطنت مطلقه و ملوک‌الطوایفی و جامعهٔ طبقاتی، که قرنها ادامه یافته بود خاتمه بخشید. همان‌طور که اشتفن آیزنمن[1] در کتاب *هنر قرن نوزدهم: تاریخ انتقادی* می‌گوید، در مراحل تغییر حکومت شاهی به دموکراسی، بورژواها در حدود صد سال بخشهایی از اروپا را در اختیار داشتند. از طرفی، طبقهٔ کارگر، کشاورزان، و زنان عقاید انقلابی روشن‌فکران را دنبال کردند تا تساوی حقوق و آزادی خود را به‌دست آورند.[2] از طرف دیگر، کشورهای قدرتمند صنعتی کشورهای ضعیف‌تر در افریقا و امریکای جنوبی و خاورمیانه را فتح، و به این ترتیب، سلطهٔ اقتصادی و نظامی خود را در دوران تشکیل مستعمره‌ها[2] در این مناطق تثبیت کردند. مثلاً، بریتانیا نفت و سایر منابع ایران را تحت اختیار گرفت تا راههای دست‌یابی به هند را در سیطرهٔ خود نگه دارد. کشورهایی مثل ایران از دخالتهای پیاپی این کشورهای اروپایی، که سعی می‌کردند مقاصد خود را به نام مدرن‌سازی، دوستی دوطرفه، یا تجارت تحمیل کنند، ضربه‌های بسیاری خوردند. بریتانیا، آلمان، فرانسه، و ایالات متحد امریکا به دنبال زمینها و منابع ارزشمند بودند. یکی از راههای رسیدن به این هدف فرستادن سفیران و سایر سیاست‌مداران، نظامیان، تاجران، باستان‌شناسان، و هنرمندان به کشورهای مختلف بود تا اطلاعات لازم برای سرمایه‌گذاری را به اروپا ببرند. علاوه بر این اطلاعات، تعدادی چشم‌گیر از گنجینه‌ها و آثار هنری باستانی و معاصر هم به اروپا منتقل شد، که ثروت موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی را دوچندان کرد.

هنرمندان اروپایی که در قرن سیزدهم/ نوزدهم به خاورمیانه سفر کردند دو گروه عمده بودند: شرق‌شناسان و مأموران سیاسی. شرق‌شناسان به دنبال اندیشه‌های بکر و موضوعهای ناآشنا برای غرب بودند تا مخاطب غربی خود را تحت تأثیر قرار دهند؛ درحالی‌که هنرمندانی که در سمت مأمور سیاسی و نظامی فرستاده شده بودند هدف دیگری داشتند: مأموریت آنان بررسی وضعیت و جمع‌آوری و ثبت اطلاعات به شکل تصویر و تهیهٔ

(1) Stephen Eisenman

(2) colonial period

ت۱. لوپی دوئوسه، *شاه‌میرزا*، یکی از سران ترکمن در خیوه در لباس نظامی قدیمی، مجموعهٔ خصوصی منوچهر میرزا و رکسانا فرمانفرمایان. مأخذ: *Journal of the International Qajar Studies*, p. 135.

نقشه بود. این هنرمندان، بر خلاف شرق‌شناسان، فقط به منظور کسب تجربه‌های هنری سفر نمی‌کردند. بنا بر این، حضور برخی از آنان در ایران این امکان را به آنان داد که اطلاعات تصویری بسیاری دربارهٔ فرهنگ، جامعه، دستگاه سیاسی و نظامی، مردم و مناطق مختلف تهیه کنند. مثلاً اوژن فلاندن،[۳] هنرمند ایتالیایی که در پاریس زندگی می‌کرد، و پاسکال کوست،[۴] هنرمند فرانسوی، را در سال ۱۸۴۰ به ایران فرستادند تا دربارهٔ اوضاع سیاسی ایران در زمان حکومت محمدشاه (۱۸۳۴ـ ۱۸۴۸م) اطلاعات جمع کنند. ادوئار دوسرسی[۵] که رهبری این مأموریت را به عهده داشت، نتوانست وظایف سیاسی خود را به‌خوبی انجام دهد و به فرانسه بازخوانده شد. اما فلاندن و کوست در ایران ماندند و به همدان و کرمانشاه و اصفهان و شیراز و تخت جمشید سفر کردند. آن دو پس از دوسال‌ونیم به فرانسه برگشتند و در سال ۱۸۵۱ کتابی شش‌جلدی دربارهٔ ایران چاپ کردند.[۳]

(3) Eugene Flandin

(4) Pascal Coste

(5) Edoard DeSersi

(6) Jules Laurens

(7) Louis Emile Duhousset

نقاش دیگری به نام ژول لورانس[۶] در ژوئیهٔ ۱۸۴۷م، در زمان حکومت محمدشاه، به ایران و ترکیه فرستاده شد. در ایران، لورانس تعداد بسیاری طرح از مردم و مناظر کشید. او در سال ۱۸۵۰ به پاریس بازگشت. برتری لورانس بر دیگر نقاشان اروپایی این بود که محمدشاه به او اجازه داد که چهره‌نگاره‌ای از عمهٔ شاه، فرح خانم، در حرم‌سرای خصوصی نقاشی کند و به این ترتیب، لورانس اطلاعاتی هم دربارهٔ زندگی زنان حرم‌سرا کسب کرد.[۴] متأسفانه نویسنده تا کنون موفق نشده است که اطلاعاتی دربارهٔ این نقاشی به‌دست آورد.

از آنجا که این هنرمندان وظیفه داشتند که اطلاعاتی تصویری دربارهٔ ایران تهیه کنند، طراحیها و نقاشیهای‌شان بسیار دقیق و نزدیک به واقعیت است. یکی از این هنرمندان لوپی امیل دوئوسه[۷] نقاش فرانسوی است. او در ۱۸ آوریل ۱۸۲۳م (۱۲۰۲ش) متولد شد، بعدها به مدرسهٔ نظام رفت و به ارتش پیوست. در سال ۱۸۵۸ به ایران فرستاده شد. در آن زمان، ناصرالدین‌شاه از دولت فرانسه تقاضا کرده بود که گروهی را به ایران بفرستد تا ارتش ایران را طبق معیارهای فرانسوی تعلیم دهد. دوئوسه به مردم‌شناسی و قوم‌شناسی بسیار علاقه‌مند بود و در طول سفر به تهران، بیش از ششصد طرح از مردم در نقاط مختلف ایران کشید. یک سال بعد، به اصفهان، شیراز، کرمان، بلوچستان، و خراسان سفر کرد و به مطالعهٔ فرهنگ لر، بختیاری، بلوچ، ارمنی، و ترکمن پرداخت. دوئوسه صدها طرح با مداد، آبرنگ، و قلم و مرکب کشید که تصاویر سربازان و اسلحه‌های‌شان، زنان و مردان اقوام مختلف، ناصرالدین‌شاه و درباریان، گماشتگان، خدمتکاران، مکانهای مقدس، پلها، کوهها، دریاچه‌ها، شهرها و دروازهٔ شهرها را دربر داشت. او ایران را پس از سه سال ترک کرد. آثار دوئوسه ناپلئون سوم و ملکه اوژنین را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد. در سال ۱۸۶۳، این آثار را در آکادمی علوم فرانسه به نمایش گذاشتند و وزارت علوم فرانسه کتابی از طراحیهای دوئوسه چاپ کرد.[۵] طراحیهای او از مردم شامل جزئیات دقیقی از لباسها و خصوصیات فردی مدل می‌شود؛ به طوری‌که می‌توان مقام اجتماعی و قوم و جنسیت و شغل فرد را به‌خوبی حدس زد. دوئوسه به دربار ناصرالدین‌شاه نیز راه یافت و دست‌کم دو طرح از شاه کشید. یکی از

ت۲. پاسکال کوست، توپچی، چاپ رنگی. مأخذ: ibid, p. 61.

این طراحیها شاه را در حال طراحی از دوئوسه نشان می‌دهد.[۶] این طراحیها ثابت می‌کند که شاه و شاه‌زادگان و حتی شاید نقاشان درباری با تکنیک دوئوسه آشنا شده بودند. علاوه بر آن، دوئوسه یکی از مربیان بخش تعلیمات نظامی مدرسهٔ دارالفنون بود و به احتمال زیاد، بعضی از آثار و تکنیکهای خود را به معلمان ایرانی که در آنجا هنر تدریس می‌کردند، نشان داده بود (ت۱).

تعدادی دیگر از هنرمندان اروپایی که همراه با سیاست‌مداران به ایران سفر کرده بودند هم به دربار دعوت می‌شدند و این امکان را می‌یافتند که آثارشان را به شاهان قاجار نشان دهند یا چهرهٔ آنان را نقاشی کنند. شاهان هم مجذوب واقعی بودن این نقاشیها و تکنیک نقاشان می‌شدند. مثلاً ژول لورانس در خاطرات خود می‌نویسد که محمدشاه از چهره‌نگاره‌ای که از او نقاشی کرده بود بسیار خوشش آمد و چند تابلو رنگ‌وروغن به او سفارش داد.[۷] لورانس نقاش منظره بود و از طبیعت به شیوهٔ واقع‌گرایانه نقاشی می‌کرد و آثارش را در کارگاه خود تمام می‌کرد.[۸] تعدادی از نقاشیها و طراحیها و تمرینهای این هنرمند از مناظر ایران، سختیها و مشکلات سفر، به‌خصوص در زمستان، را به‌خوبی نشان می‌دهد.

نقاش دیگر آلبرتو پازینی،[(۸)] که در سال ۱۸۲۶ در بستو[(۹)] متولد شد و در سال ۱۸۹۹ در کاورتو[(۱۰)] درگذشت، در پاریس در سال ۱۸۵۱ با پروسپر بور[(۱۱)] ملاقات کرد. آن دو در همان سال برای مأموریت سیاسی به ایران آمدند تا تأثیر دولت روسیه را بر ناصرالدین‌شاه خنثا کنند. طراحیهای پازینی بر شاه بسیار اثر کرد، به‌طوری که از نقاش دعوت کرد که در سفرها و شکار همراهی‌اش کند. علاوه بر آن، اعضای خانوادهٔ سلطنتی تعدادی نقاشی به پازینی سفارش دادند. این نقاش در سال ۱۸۵۶ به ایتالیا رفت و آثارش از ایران و عربستان و آذربایجان و سوریه را به نگارخانه‌های هنری در پاریس فرستاد.[۹]

سایر نقاشانی که اطلاعات مهمی از خود باقی گذاشتند: اوژن فلاندن، همان‌طور که قبلاً گفته شد صدها

(8) Alberto Pasini

(9) Basseto

(10) Cavoretto

(11) Prosper Bourre

ت۳. سرهنگ کلمباری، *زنبورکچی‌ها*. مأخذ: همان

نقاشی و طرح از شهرها، کوهها، مناظر زیبا و مردم کشید[۱۰] و پاسکال کوست که همراه با فلاندن به ایران سفر کرد و مأمور تهیهٔ حکاکی از آثار معماری و طراحی از صحنه‌های جنگ بود (ت۲).[۱۱] همچنین، آثار سرهنگ کلمباری[۱۲] از صحنه‌های جنگ را فرماندهان ارتش ایران مطالعه می‌کردند.[۱۲] ژان دیولافوئا[۱۳] نیز که همسر افسری فرانسوی بود، از مناطق مختلف ایران طراحی کرد و کارهایش هنوز مورد توجه مورخان است.[۱۳] تمامی این نقاشان سبکهای هنری اروپا در قرن نوزدهم را به هنرمندان و هنردوستان ایرانی معرفی کردند (ت۳).

(12) Colonel F. Colombari

(13) Jean Dieulafoy

سه هنرمند دیگر نیز به ایران سفر کردند. یکی از آنان امیل پریس دَوان[۱۴] (۱۸۰۷ـ۱۸۷۹)، باستان‌شناس و نقاش و تصویرگر فرانسوی بود، که به مصر، فلسطین، سوریه، هند و ایران سفر کرد.[۱۴] دیگری ادوین لرد ویکس[۱۵] (۱۸۴۹ـ۱۹۰۳) نقاش در سال ۱۸۴۹ در بوستون امریکا متولد شد و در سال ۱۹۰۳ در پاریس درگذشت. او در سال ۱۸۸۲ از طریق ترکیه و ایران به هند سفر کرد و بعدها کتاب *از دریای سیاه به ایران و هند* را منتشر کرد و نقاشیهایش را در پاریس، برلین، مونیخ، لندن، بوستون، و فیلادلفیا به نمایش گذاشت.[۱۵] آنری بلوکویل[۱۶] پزشک، نقاش، و عکاس فرانسوی نیز در سال ۱۸۵۸ به ایران سفر کرد. او که در سمت گروهبان به گارد سلطنتی پیوسته بود، مأمور ثبت تجهیزات نظامی و صحنه‌های جنگی در نقاشیهایش بود.[۱۶]

(14) Emile Prise d'Avennes

(15) Edwin Lord Weeks

(16) Henry Blocqueville

حضور نقاشان غربی در ایران به آگاهی و علاقهٔ ایرانیان به سبکها و تکنیکهای نقاشی اروپایی افزود. شاهان قاجار که سفارش‌دهندگان اصلی آثار هنری بودند، مستقیماً با هنرمندانی که به ایران سفر می‌کردند، تماس داشتند و نقاشان درباریِ ایران را تشویق کردند که سبک هنرمندان اروپایی را تقلید کنند. از آنجا که این هنرمندان ایرانی در دربار زندگی می‌کردند، به احتمال زیاد نقاشان اروپایی را ملاقات می‌کردند و حتی شاید مستقیماً از آنان تعلیم می‌گرفتند.

شاید نقاشان اروپایی بدون قصد، اصول تصویری نقاشی غربی، به‌خصوص واقع‌گرایی، را در ایران جا گذاشته باشند. نقاشان ایرانی به بعضی از این خصوصیات ــ مانند به تصویر کشیدن بدبختی و مصیبت، شخصیت افراد، تفاوتهای اجتماعی‌ای چون درجه، قوم، جنس، و شغل ــ توجه و علاقه نشان دادند. بنا بر این، سفر هنرمندان اروپایی به ایران را باید یکی از عوامل اصلی گسترش مکتب واقع‌گرایی[۱۷] در نقاشی ایران در قرن نوزدهم شمرد. □

(17) Realism

کتاب‌نامه

Eisenman Stephen F. Eisenman, *Nineteenth Century Art: A Critical History*, London: Thames and Hudson, 1998.

Thornton, Lynne. *The Orientalists Painter. Travelers 1828-1908,* Paris, ACR Edition International, 1983.

Thrnton, Lynne. *Women as Portrayed in Orientalist Painting*, Paris, ACR Edition, International, 1985.

Calmard, Jean. "Flandin and Coste", in: *Encyclopedia Iranica*.

Encyclopedia Iranica, http: //www.iranica. com/ articles/

Eskandari- Qâjâr, Manoutchehr. "Mohammad Shâh Oajar's Nezam-e Jadid and Colonel Colombari's Zambourakchis", in: *Qâjâr Studies, Journal of the International Qâjâr Studies Asso ciation*, vol. V (2005), pp. 54-62.

Dieulafoy, Jean. *La Persa, La Chaldee et la Susiane*, Paris, Librairie Hachette, 1887.

ـ دوهوسه، لوپی امیل. *سفری به ایران*، ترجمهٔ منوچهر فرمانفرمائیان، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴.

ـ ذکاء، یحیی. *تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.

پی‌نوشتها:

۱. متن انگلیسی این مقاله در شمارهٔ پیشین *گلستان هنر* با این مشخصات به چاپ رسیده است:

Mahshid Modares, "European Artists in Iran during the Qajar Period", in: *Golestân-e Honar* 8 (Summer 2007), pp. 7-11.

2. Stephen F. Eisenman, *Nineteenth Century Art: A Critical History*, p. 7:

«دوران مدرن تشکیل مستعمره‌ها در سال ۱۵۰۰ شروع شد و به کشف راههای دریایی در اطراف سواحل جنوبی افریقا در سال ۱۴۸۸ و آمریکا در سال ۱۴۹۲ انجامید. این وقایع سبب شد که قدرت نیروی دریایی از مدیترانه به آتلانتیک و در نتیجه به نظام سرمایه‌داری ... که در حال رشد بود منتقل شود. این نظام، اقتصاد معاملهٔ آزاد یا عملیات اقتصادی و بازرگانی در سطح وسیع نیز نامیده می‌شد که از زمان براندازی نظام ملوک‌الطوایفی در اروپا در حال گسترش بود. در نظام سرمایه‌داری اکثر تولیدات را شرکتهای خصوصی می‌سازند و کنترل می‌کنند، و درآمدّ به چگونگی عملکرد بازار فروش بستگی دارد».

3. Lynne Thornton, *The Orientalists Painter-Travelers 1828-1908*, p. 80.

بنا به گفتهٔ تورنتون، اوژن فلاندن در سال ۱۸۰۳ در ناپل به دنیا آمد و در سال ۱۸۷۶ در پاریس درگذشت. پاسکال کوست در سال ۱۷۸۷ در مارسی متولد شد و در سال ۱۸۷۹ وفات یافت.

4. ibid, p. 80.

تورنتون می‌نویسد ژول لوارنس در سال ۱۸۲۵ در کارپنانترا متولد شد و در سال ۱۹۰۱ در سنت دیدیه درگذشت.

۵. دوهوسه، *سفری به ایران*، ترجمهٔ منوچهر فرمانفرمائیان، ص۹.

۶. همان، ت ۷ـ۹.

7. Lynne Thornton, *Women as Portrayed in Orientalist Painting*, p. 204.

8. Eisenman, op, cit, p. 246.

9. Thornton, op. cit, pp. 124-125.

10. Jean Calmard, "Flandin and Coste."

11. ibid.

12. Manoutchehr M. Eskandari-Qajar. "Mohammad Shahd Qajar's Nezam-e Jadid and Colonel Colombari's Zambourakchis."

سرهنگ کلمباری در سال ۱۸۳۳، در زمان حکومت محمدشاه، به ایران سفر کرد و تا سال ۱۸۴۸ که محمدشاه درگذشت، در سمت مشاور در ارتش ایران خدمت کرد. او مانند دیگر هنرمندان اروپایی، تعداد بسیاری اتود و نقاشی خلق کرد. فرماندهان ایران از اتودهای کلمباری، که از صحنه‌های جنگی تهیه کرده بود، برای مطالعهٔ فنون جنگی استفاده می‌کردند.

۱۳. نک:

Jean Dieulafoy, *La Perse, la Chaldee et la Susiane*.

۱۴. نک:

Thornton, op. cit, P. 264.

۱۵. نک:

Thornton, op. cit, p. 267.

۱۶. یحیی ذکاء، *تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران*، ص ۴۱.